

بررسی راهبرد امام محمد باقر(ع) برای حفظ مکتب به مناسبت میلاد مبارک آن حضرت

نبرد حق در برابر باطل با قیام آگاهانه و ایستادگی بی‌لکنت



به مناسبت میلاد حضرت امام محمدباقر(ع)، سیره و روش آن حضرت در یکی از حساس‌ترین دوره‌های تاریخ تشیع بررسی شد؛ دوره‌ای که جامعه شیعه پس از واقعه کربلا با آسیب‌های عمیق، انشعاب‌های فکری، مدعیان دروغین حمایت و تحریف‌های فرهنگی روبه‌رو بود. به این مناسبت در گفت‌وگویی با حجت‌الاسلام هادی عجمی، استاد سطوح عالی حوزه علمیه و دبیر حلقه فقه نظام خانواده عالی فقاहत عالم آل محمد(ص) با بررسی شیوه این امام بزرگوار تأکید شد سیره و روش امام باقر(ع) را باید در بستر زمان و مکان فهم کرد؛ جایی که تربیت شاگردان، تبیین معارف و تقیه، بخشی از راهبرد حفظ حقیقت و صیانت از مکتب اهل بیت(ع) بود. در ادامه مشروح این گفت‌وگو را بخوانید.

■ سیره اهل بیت(ع) بدون توجه به زمان و مکان فهم نمی‌شود

در تحلیل سیره امامان(ع)، نخستین اصل، توجه به زمان و مکان است. رفتار اهل‌بیت(ع) نه مجموعه‌ای از کنش‌های منفصل و جدا از واقعیت، بلکه پاسخ‌هایی سنجیده به وضعیت‌های عینی جامعه اسلامی در دوره‌های مختلف بوده است. به همین دلیل، هر تصمیم، هر موضع‌گیری، هر سکوت و هر اقدام امامان(ع) باید در متن همان شرایط تاریخی بررسی شود.

بر همین اساس، نمی‌توان رفتاری را که در دوره‌ای خاص از امامی خاص صادر شده، بدون تحلیل زمینه‌های سیاسی و اجتماعی آن، به‌صورت مستقیم به زمان حاضر تعمیم داد. تفاوت شرایط، تفاوت در نوع اقدام را نیز ایجاب می‌کند. آنچه باید از سیره اهل‌بیت(ع) آموخت، تنها ظاهر رفتارها نیست، بلکه منطق حاکم بر تصمیم‌گیری آنان است. گاهی این منطق به قیام آشکار منتهی می‌شود و گاهی به صبر، تقیه، تربیت نیرو و کار فرهنگی عمیق. بنابراین، فهم درست سیره امام باقر(ع) تنها زمانی ممکن است که جایگاه آن حضرت در دوره‌ای خاص و در متن یک بحران گسترده تاریخی مورد توجه قرار گیرد.

■ جامعه شیعه پس از کربلا؛ پیکره‌ای زخمی و نیازمند بازسازی

یکی از مهم‌ترین نکاتی که در این گفت‌وگو مطرح شد، وضعیت جامعه شیعه پس از واقعه کربلا بود. امام محمدباقر(ع) در شرایطی عهده‌دار امامت شدند که هنوز آثار آن حادثه بزرگ و تلخ بر جامعه اسلامی، به‌ویژه بر بدنه شیعه، سایه افکنده بود. کربلا تنها یک رخداد خونین نبود، بلکه ضربه‌ای عمیق به ساختار اجتماعی، انسانی و روانی شیعه وارد کرد. در این حادثه، بسیاری از نیروهای مؤثر، وفادار و آگاه از میان رفتند و جامعه شیعه با خلأیی جدی در نیروی انسانی و سازمان اجتماعی روبه‌رو شد. در ادامه نیز حرکت‌هایی مانند قیام توأبین، هر چند از سر اخلاص و شمیمانی شکل گرفت، اما نتوانست به‌طور کامل این ضعف را جبران کند. ازاین‌رو، دوران امام باقر(ع) را باید دوره بازسازی شیعه دانست. جامعه‌ای که از یک

طرف زیر فشار حکومت‌های وقت قرار داشت و از طرف دیگر، از نظر فکری و تشکیلاتی انسجام پیشین را از دست داده بود، بیش از هر چیز به احیای هویت، آموزش درست و بازشناسی مرجعیت واقعی نیاز داشت. در چنین فضایی، طبیعی بود که فعالیت امام باقر(ع) بیش از آنکه به شکل یک قیام سیاسی آشکار بروز یابد، در قالب تبیین معارف، تربیت شاگردان و بازسازی فکری جامعه شیعه دنبال شود. این شیوه نه از سر کناره‌گیری از سیاست، بلکه برخاسته از تشخیص درست اولویت‌ها بود. در جامعه‌ای که هنوز زخم‌خورده، پراکنده و آسیب‌پذیر است، نخست باید بنیان‌های فکری و هویتی ترمیم شود تا امکان حرکت‌های بزرگ‌تر فراهم آید.

■ انشعاب‌های درونی و خطر نیروهای نفوذی

از دیگر مسائل برجسته در این دوره، انشعاب‌ها و آشفتگی‌های اعتقادی در میان شیعیان بود. در آن زمان، جامعه شیعه یک‌دست و منسجم نبود و به دلایل گوناگون از جمله ضعف ارتباطات، فشار سیاسی و انتشار ناقص اخبار، زمینه برای شکل‌گیری برداشت‌های نادرست و فرقه‌ای فراهم می‌شد. در این گفت‌وگو، به برخی جریان‌ها از جمله زبدیه اشاره شد و این نکته مورد توجه قرار گرفت که چگونه در برخی مقاطع، درباره چهره‌های متنسب به اهل‌بیت(ع)، برداشت‌های غلوآمیز و انحرافی شکل می‌گرفت.

اما خطر فقط به اختلاف‌های فکری محدود نمی‌شد.

بررسی سیره علمی و عملی امام پنجم(ع) برای درک پیوند دانش، اطاعت و مسئولیت اجتماعی

باقرالعلوم (علیه‌السلام)؛ راه‌گشای زندگی امروز

جامعه‌اسلامی ریشه‌دوانده‌بودو نیاز به‌تبیین صحیح‌اسلام ناب‌رادوچندان می‌کرد.

■ شکافنده علوم، مفسر قرآن

این عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در خصوص چرایی لقب باقرالعلوم بیان می‌کند: آوازه علوم و دانش امام محمدباقر(ع) چنان در جامعه اسلامی پیچیده‌بود که ایشان را باقرالعلوم یعنی گشاینده درِچه‌های دانش و شکافنده مشکلات علوم می‌دانستند. این لقب نه تنها بیانگر وسعت دانش ایشان بوده، بلکه نشان‌دهنده‌عمق نگاه‌وتوانایی حضرت در تحلیل وتبیین مسائل پیچیده‌علمی و دینی است. امام(ع) در مباحث علمی خویش اغلب به آیات قرآن کریم استناد می‌کردند و می‌فرمودند: «هر مطلبی که گفتیم، از من بپرسید که در کجای قرآن کریم است تا آیه مربوط به آن موضوع را بیان کنم». این رویکرد، مرجعیت قرآن را در فهم حقایق دینی تثبیت می‌کردونشان می‌داد تمام علوم حقیقی ریشه در کلام الهی دارند.

ایشان توضیح می‌دهد: این روش امام باقر(ع) در استناد به قرآن، الگویی برای همیشه تاریخ است. در دوران کنونی که شبهه‌های گوناگون بنیان‌های فکری جامعه را نشانه رفته، بازگشت به منبع اصیل معرفت، یعنی قرآن کریم و فهم عمیق آیات آن، ضرورتی انکارناپذیر است. همان‌طور که قرآن می‌فرماید: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ» (زمر/ ۹)، یعنی بگو: آیا کسانی که می‌دانندوکسانی که نمی‌دانند یکسان‌اند؟ تنها خردمندان‌اند که پند می‌گیرند. این آیه به روشنی جایگاه علم ودانایی را در مسیر هدایت وتذکر نشان می‌دهد وامام باقر(ع) خود مصداق بارز این خردمندی بودند که با علم و بصیرت،راه‌گشای امت شدند.

■ تأسیس حوزه علمیه و تربیت طلابه‌داران

دکتر محرمی درباره نقش امام باقر(ع) در تربیت شاگردان می‌گوید: حضرت شاگردان بزرگی را در زمینه‌های فقه، حدیث، تفسیر و دیگر علوم اسلامی تربیت کردند که هر کدام از آن‌ها

به‌عنوان آموزه‌دینی پذیرفته‌شده‌است. اهمیت این مسئله در آن است که تحریف فرهنگی، همیشه آشکار و صریح عمل نمی‌کند؛ بلکه‌گاه در پوشش روایت، تفسیر و فضیلت‌سازی وارد ذهن و زبان جامعه می‌شود و این احتمال وجود داشت که بعضی نقل‌ها با اهداف سیاسی یا فرهنگی خاص، از جمله تقویت جریان‌های غیرحق یا ایجاد اختلاف در جامعه اسلامی، ترویج شده باشند.

در چنین فضایی، امام باقر(ع) ناچار بودند با دقت بسیار بالا سخن بگویند و معارف دینی را از آلودگی‌های وارداتی پالایش کنند. یکی از نقش‌های مهم آن حضرت، همین مرزبانی فکری و فرهنگی بود؛ مرزبانی‌ای که از راه تربیت شاگردان برجسته، تبیین مبانی صحیح اعتقادی ومقابله با روایت‌های مشکوک انجام می‌شد. بنابراین، فعالیت علمی امام باقر(ع) صرفاً یک تلاش آموزشی نبود، بلکه بخشی از مبارزه عمیق و بنیادین با انحراف در جامعه اسلامی به‌شمار می‌رفت.

■ تقیه؛ راهبرد حفظ جان مؤمنان و صیانت از جریان امامت

مسئله تقیه به‌عنوان یکی از مفاهیم کلیدی در سیره اهل‌بیت(ع) مورد توجه است. تقیه در این نگاه، نه به معنای ترس و عقب‌نشینی از حق، بلکه راهبردی هوشمندانه برای حفظ جان مؤمنان، جلوگیری از سوءاستفاده دشمن و صیانت از اصل جریان امامت در

■ تحریف فرهنگی و خطر اسرائیلیات در جامعه اسلامی

در کنار فشار سیاسی و آشفتگی اجتماعی، یک‌جبهه‌مهم دیگر نیز در برابر امام باقر(ع) قرار داشت و آن، جبهه تحریف فرهنگی بود. در اینجا باید به نقش کسانی چون کعب‌الاحبار ورود اسرائیلیات به فضای فکری مسلمانان دقت کرد. اسرائیلیات مجموعه‌ای از روایت‌ها، قصه‌ها و گزارش‌هایی است که از سنت‌های یهودی ودیگر فرهنگ‌های پیشین وارد برخی منابع ونقل‌های اسلامی شده‌و‌گاه بدون بررسی کافی،

شرایط اختناق است. در دوره‌ای که حتی نزدیکان ظاهری می‌توانستند حامل خبر برای دستگاه‌های مخالف باشند، آشکارگویی بی‌ملاحظه، گاه به قیمت جان‌پیروان و نابودی شبکه حق تمام می‌شد.

در این زمینه، حدیث مشهور امام صادق(ع) نیز مورد استناد قرار گرفت: «الْتَّقِيَةُ دِينِي وَدِينُ آبَائِي»؛ یعنی «تقیه دین من و دین پدران من است». استناد به این حدیث نشان می‌دهد تقیه در سنت اهل‌بیت(ع)، یک تاکتیک مقطعی و کم‌اهمیت نیست، بلکه شیوه‌ای ریشه‌دار برای پاسداری از حقیقت در روزگار سلطه باطل است.

در همین چارچوب، تفاوت میان قیام امام حسین(ع) و روش امام باقر(ع) نیز قابل فهم می‌شود. قیام عاشورا در شرایطی رخ داد که یارانی وفادار و آماده فداکاری در کنار امام حسین(ع) حضور داشتند؛ اما در بسیاری از دوره‌های دیگر، چنین پشتوانه‌ای وجود نداشت. از این رو، تفاوت در نوع اقدام، ناشی از تفاوت در شرایط، سطح آمادگی جامعه، میزان وفاداری یاران وامکان تحقق هدف بود. بر این اساس، سیره امام باقر(ع) را باید سیره حفظ، پالایش، بازسازی واماده‌سازی دانست؛ سیره‌ای که اگرچه کمتر با جلوه‌های آشکار قیام شناخته می‌شود، اما در حقیقت از عمیق‌ترین و سرنوشت‌سازترین اشکال مبارزه در تاریخ تشیع به‌شمار می‌آید.

■ تعیین راهبرد نبرد متناسب با مقتضیات میدان

به‌عنوان نکته پایدانی در تحلیل سیره اهل‌بیت(ع)، همواره باید به این نکته توجه کرد که با وجود تفاوت در روش‌های عملیاتی، همگی جلوه‌ای از نوری واحد با هدفی یگانه هستند که راهبردشان دقیقاً متناسب با مقتضیات عینی میدان نبرد تنظیم می‌شود؛ در مواجهه با شرایط خاص که اکنون امت اسلام در آن قرار دارد، باید اذعان کرد ماهیت جبهه باطل تغییر بنیادینی یافته و دیگر با دشمنی پنهان کار یا غیرشفاف روبه‌رو نیستیم، بلکه با جبهه‌ای مواجهیم که با بی‌شرمی تمام و به شکلی کاملاً عیان، پنجه بر گلوئی امت اسلامی انداخته است. وقتی تهدید به هدف قرار دادن شهرها و مراکز حیاتی کشور یا دست‌اندازی و غارت آشکار منابعی همچون نفت، به خط‌مشی علنی دشمن تبدیل می‌شود، جنگ مستقیم و تهاجم عریان است؛ بنابراین در چنین وضعیتی که چهره کریه و متجاوز باطل نقاب از رخ کشیده، دیگر سکوت یا تاوُم راهبردهای محتاطانه وتقیه‌آمیز جایی ندارد. منطق نور واحد در این عصر، حکم می‌کند با عبور از سیره تنبیینی یا سکوت تاکتیکی و با الگوگیری از صلابت عاشورایی امام حسین(ع)، به مقابله‌ای بی‌برده، قاطع و تمام‌عیار پرداخت؛ چرا که در این عصر خطیر، تشخیص میدان نبرد حق در برابر باطل تنها با قیام آگاهانه و ایستادگی بی‌لکنت ممکن است و دفاع در برابر جنگ تحمیلی مشروع و عدم واکنش، به معنای نادیده گرفتن ماهیت آشکار دشمنی است که دیگر هیچ گونه مرز اخلاقی یا قانونی برای تجاوزهای خود باقی نگذاشته است.

می‌دادند، همانندسندی استوار مانع نفوذ افکار انحرافی‌شان به جامعه اسلامی می‌شدند. این مناظرات، نه تنها به روشن شدن حقایق کمک می‌کرد، بلکه پایگاه‌های فکری وعقیدتی آنان را در هم می‌کوبید و بی‌اساس بودن عقایدشان را با دلایل عقلی و علمی آشکار می‌کرد. برای مثال، در مناظره حضرت با نافع بن ازرق که از سران خوارج بود، ایشان با استدلال قرآنی و روایی بدعت وبهتان مارقین را در ماجرای حکمیت اثبات کردند. این رویکرد امام(ع) در مقابله با انحرافات فکری و اعتقادی برای امروز ما نیز درس آموز است. در شرایط کنونی که شبهه‌های گوناگون بنیان‌های فکری جامعه را نشانه‌رفته، جهاد تبیین و روشنگری فکری، وظیفه‌ای خطیر بر دوش همگان است. این جهاد، نه تنها در قالب مناظرات علمی، بلکه در تمامی عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی باید نمود یابد تا مانع نفوذ افکار باطل وسست‌کننده به جامعه‌شود.

حجت‌الاسلام دکتر غلامحسین محرمی در پایان این گفت‌وگو تصریح می‌کند: آنچه از سیره تاباناک امام محمدباقر(ع) و نهضت علمی ایشان برجای مانده؛ میراثی گرانبهاست که فراتر از زمان و مکان، مسیر تعالی فکری و معنوی امت اسلامی را روشن می‌کند. ایشان با گذار حرکتی شدند که تا به امروز، شاگردانی برجسته، بنیان‌گذار حرکتی شدند که تا به امروز، منبع الهام بخش جویندگان حقیقت و دانش است. این میراث، همواره یادآور آن است که رشد و بالندگی جامعه در گرو تعمق در معارف الهی و استخراج گنجینه‌های علم از سرچشمه‌های اصیل دینی است؛ ویکردی که در هر عصری می‌تواند راه‌گشای حل چالش‌ها ودستیابی به بصیرت عمیق باشدو چراغ هدایت را در مسیر کمال انسانی فروزان نگاه‌دارد. در همین راستا و برای تکمیل این نگاه جامع، در امالی طوسی روایتی از امام باقر(ع) به جابر جعفی نقل شده که حضرت فرمودند: «یا جابر بَلِّغْ شِيعَتِي عَنِّي السَّلَامَ، وَاَعْلِمُهُم أَنَّهُ لَا قَرَابَةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَلَا يُقَرَّبُ إِلَيْهِ إِلَّا بِالطَّاعَةِ لَهُ. یا جابر، من اطاع الله وَاخْتَبَاهُ وَهُوَ لِيْنَا، وَمَنْ عَصَى اللَّهَ لَمْ يَنْفَعَهُ حَيْثُ» [الأمالی للطوسي: ۲۹۶/۲۸۲]. امام باقر(ع) به جابر جعفی فرمودند: ای جابر! سلام مرا به شیعیانم برسان و به آن‌ها بگو که میان ما وخداوند عز وجل هیچ خویشاوندی نیست و کسی مقرب خدا نشود جز با فرمانبرداری از او. ای جابر! هر کس خدا را فرمان برد و ما را دوست بدارد، همو دوست ماست و هر کس خدا را نافرمانی کند محبت ما سودش نرساند. این سخن حکیمانه امام باقر(ع) نه تنها برای دیروز، بلکه برای امروز وفردای امت اسلامی نیز چراغ‌ای است که می‌تواند سبک زندگی فردی، اجتماعی وحتی رویکردهای جمعی ما را در مسیر اطاعت الهی و ولایت حقیقی اهل بیت(ع) جهت بخشد و تأکید می‌کند همواره‌ی با ائمه(ع)، مستلزم عمل صالح و التزام به فرامین الهی است.

مکتاب فکری دیگر دگر دق علم کرده و حقیقت اسلام را تبیین کند. این پایه‌گذاری، زمینه‌ساز شکل‌گیری حوزه‌های علمیه در طول تاریخ اسلام شد که تا به امروز نقش محوری در حفظ ونشر معارف دینی ایفا می‌کنند.

■ احیای فرهنگ کتابت ومبارزه با انحرافات

این پژوهشگر تاریخ اسلام به اوضاع سیاسی و اجتماعی دوران امامت حضرت اشاره و اظهار می‌کند: حضرت با پنج تن از خلفای اموی معاصر بودند که حکومت هر یک از آنان ویژگی‌ها و شاخصه‌های اجتماعی وسیاسی خاصی داشت. در این دوران پرتلاطم، حضرت با داریت وبصیرت، به گسترش علم ومعارف پرداختند و از فرصت‌های موجود برای احیای سنت‌های اصیل اسلامی بهره‌بردند. یکی از مهم‌ترین اقدام‌های ایشان، احیای فرهنگ کتابت حدیث بود.

او توضیح می‌دهد: ممنوعیت نوشتن حدیث که پس از رحلت پیامبر اکرم(ص) و به دنبال انحرافات عمیق در جامعه اسلامی به وقوع پیوسته بود، یک ضایعه بزرگ فرهنگی به‌شمار می‌رفت. این ممنوعیت که تا دوران عمر بن عبدالعزیز ادامه داشت، در زمان امام محمدباقر(ع) برداشته شد. حضرت به خاطر اقدام‌هایی که عمر بن عبدالعزیز در خصوص رفع ممنوعیت نوشتن حدیث، برداشتن سب امام علی(ع) از روی منبرها و بازگرداندن فدک به ایشان انجام داد، او را تحجیب بنی‌امیه خواندند. امام(ع) از این فرصت بدست آمده استفاده کردند و دستور دادند هر فردی حدیثی راشنیده یاد ر ذهن دارد، بنویسد. این توصیه به شاگردان نیز داده شد که نتیجه آن، شکل‌گیری کتاب‌های دست‌اول حدیثی بود که امروز در اختیار ما قرار دارد وبخش عظیمی از میراث روایی شیعه را تشکیل می‌دهد.

■ **میراث علمی امام باقر(ع)؛ چراغ راهی برای همیشه تاریخ**
این استاد حوزه ودانشگاهان اشاره به مناظرات امام محمدباقر(ع) اظهار می‌کند: در دوران امامت حضرت باقر(ع) فرقه‌های مذهبی و گروه‌های سیاسی ومذهبی متعددی چون معتزله، خوارج و مرجئه فعالیت می‌کردند. حضرت همواره به عقاید باطل آنان مبارزه می‌کردند و با مناظرات علمی وفکری که با سران آنان انجام